



سوره مبارکه هود

جلسه دوم: ۹۲/۹/۲۶

دسته اول آیات ۱ تا ۴:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الر كِتَابٌ أُحْكِمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ (۱)
الف، لام، را. کتابی است که آیات آن استحکام یافته، سپس از جانب حکیمی آگاه توضیح داده شده است.
أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ (۲)
که جز خدا را نپرستید و من شما را از جانب او بیم دهنده و مزده رسانم.
وَ أَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَنِّعْكُمْ مَتَاعاً حَسَناً إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى وَ يُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَ إِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ (۳)
و دیگر این که از پروردگارتان آمرزش بخواهید سپس به درگاه او روی کنید تا شما را از بهره‌ای نیکو تا مدتی معین بهره‌مند سازد و به هر صاحب فضیلتی فضل او را [به تناسب کمالتش] عطا کند. و اگر رویگردان شوید، من از عذاب روزی بزرگ بر شما بیمناکم.
إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۴)
بازگشت شما به سوی خداست و او بر هر چیزی تواناست.

- جلسه قبل بیان شد ۲۴ آیه ابتدایی سوره مبارکه هود آیات احکام است. در این ۲۴ آیه، چهار آیه اول آن نیز احکام این ۲۴ آیه است. داستان انبیاء «تفصیل» این ۲۴ آیه است.

✳ مؤلفه‌های چهار آیه ابتدایی سوره در نمودار زیر آمده است:

- **کتاب:** قوانین عالم است که بر اساس آن قرائت صورت می‌گیرد و هستی و زندگی در عالم جاری می‌شود.
- در سوره یونس درباره آیات در کتاب توضیح داده و در سوره هود اینگونه آمده است که «کتاب» دارای احکام است و تفصیل پیدا می‌کند. یعنی کتاب روحی دارد که در موقعیت‌های مختلف جاری می‌شود. کتاب صراطی دارد که این صراط، در سبیل‌های متفاوت جاری می‌شود. مثلاً جهاد در موقعیت‌های مختلف نموده‌های گوناگونی پیدا می‌کند. گاهی «جهاد»، اسلحه دست گرفتن است، گاهی کتاب نوشتن، گاهی همسرداری و ...
- حقیقت کتاب، احکام‌های آن است ولی اگر تفصیل صورت نگیرد آن کتاب قابل زندگی کردن نیست.
- اگر احکام و تفصیل نباشد کتاب را نمی‌شود زندگی کرد.
- توجه: فرق «احکام» با «احکام»: وقتی احکام پایین می‌آید و در مقام تفصیل قرار می‌گیرد تبدیل به احکام می‌شود. احکام جزئی است. تفصیل را از حیث باید و نبایندی که احکام دارد، «احکام» گویند. یعنی کتاب با احکام تفصیل پیدا کرده است. به عبارتی احکام کارش تفصیل دادن احکام است.
- احکام و تفصیل عجیب و غریب و دور از دسترسی نیستند بلکه انسان‌ها همه با آن زندگی می‌کنند فقط مشکل این است که به آن توجه ندارند.

- توجه به احکام و تفصیل دو گونه مهم است:

۱- از تفصیل به احکام (از پایین به بالا)

۲- از احکام به تفصیل (از بالا به پایین)

- مثال برای مورد اول: همه ما احکام‌هایی مانند «بنده خدا بودن»، «شیعه بودن» و ... را پذیرفته‌ایم ولی نمی‌دانیم برای شیعه بودن در زندگی چگونه باید عمل کنیم؟ بچه‌داری شیعه یعنی چه؟ دوستی شیعه یعنی چه؟ سلام کردن شیعه با غیر شیعه چه فرقی دارد؟

- در زندگی نیز باید مانند نماز عمل کنیم، زیرا در نماز احکام‌هایش در همه جای نماز جاری است. «طهارت»، احکام نماز است و در تمام نماز باید این طهارت وجود داشته باشد. «روبه قبله بودن» احکام نماز است و در تمام نماز روبه قبله بودن وجود دارد. «نیت» احکام نماز است و در تمام نماز نیت وجود دارد. احکام نماز در هر جایی از نماز، منقطع شود نماز باطل است.

- مثال برای مورد دوم: در زندگی کارهایی جزئی مانند غذا خوردن و خوابیدن و ... وجود دارد که به انجام آنها مجبوریم. این کارها نباید بدون ارتباط با احکام‌ها باشند.

- به طور خلاصه ما در زمینه احکام و تفصیل دو مشکل داریم:

۱- احکام‌هایی که در زندگیمان تفصیل ندارند.

۲- تفصیل‌هایی که در زندگیمان احکام ندارند.

- احکام مانند روح می‌ماند و قابل تجزّی نیست که در نیمی از کارها باشد و در نیمی نباشد. احکام باید در مجموعه شئون زندگی مانند روح جاری باشد.

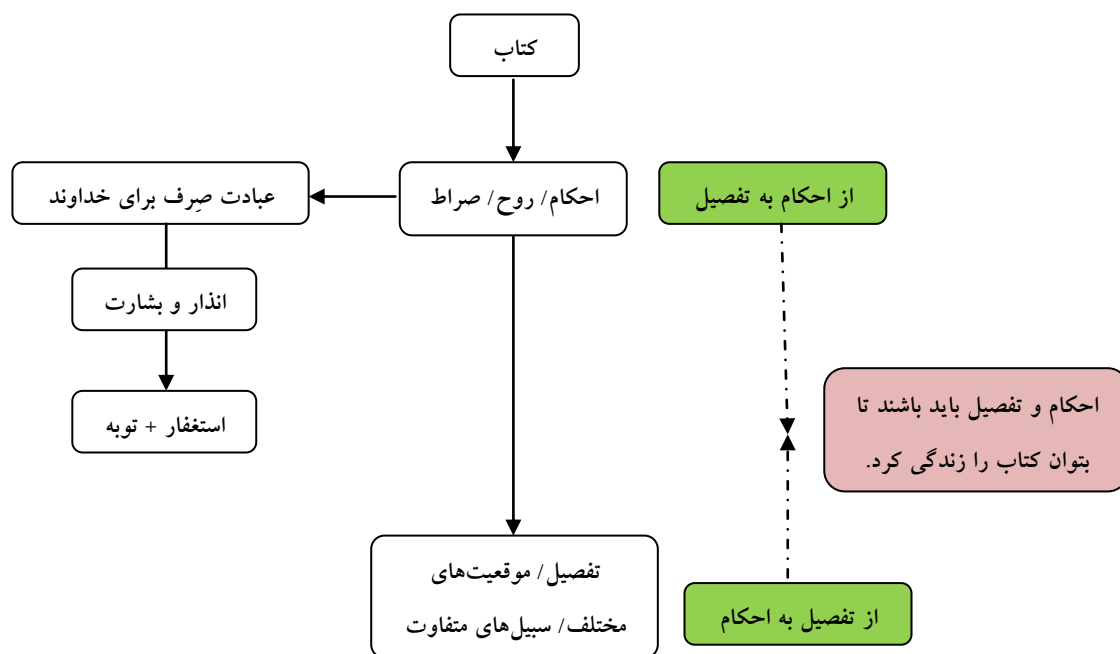
- کارهای جزئی در زندگی نیز باید نسبتشان با احکام معلوم شوند.

- این دو مورد، دو موضوع مهم از «**کتاب را زندگی کردن**» است. یعنی اگر کسی بخواهد «کتاب» را زندگی کند باید:

✓ از احکام‌های کتاب به تفصیل برسد،

✓ و از تفصیل‌های زندگی‌اش به احکام برسد.

- نکته: در زندگی انبیاء، ریزش فقط از احکام به تفصیل است. آنها خود روح هستند که روی زمین راه می‌روند. انگار ملکوت روی زمین راه می‌رود و ما باید نگاه کنیم که آنها چگونه زندگی می‌کنند. انبیاء خود کتاب هستند.



- آیه ۲: این آیه مهم ترین احکامها را در زندگی بشر بیان می کند. مهم ترین احکامها عبارتند از: عبادت صرف برای خداوند است. اصل انذار و بشارت هم برای این موضوع است. به همین علت خدا به پیامبر دستور داده است بشر را انذار کند و بشارت دهد که عبادت صرف برای خدا داشته باشند و ثمرات رسیدن و عواقب نرسیدن به آن چیست؟ ما را هم به این برکات امیدوار و از آن آسیبها نگران کند.

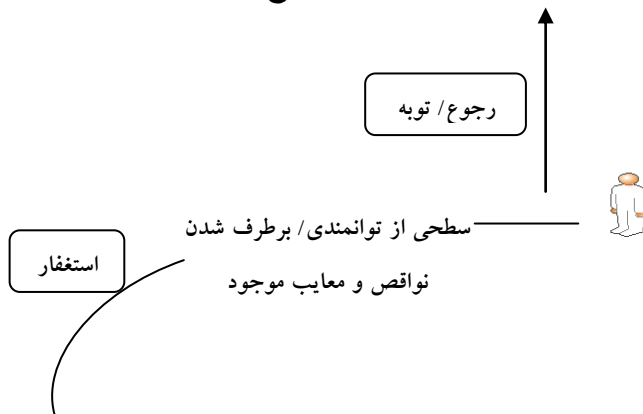
- بشارت یک بهجت درونی است.

- آیه ۲ بسیار مهم است و در کل سوره مبارکه هود تفصیل پیدا می کند.

- آیه ۳: تفصیل انذار و بشارت را «استغفار» و «توبه» نامیده است. به عبارت دیگر تفصیل عبادت صرف برای خداوند، یعنی استغفار و توبه. این مسئله نشان می دهد که استغفار و توبه در فرهنگ قرآن واژه های بسیار بلندی هستند.

- «استغفار» یعنی نواقص و جاهای خالی پر شود.

- «توبه» پس از آنکه ظرفش پر شد و نقصی نداشت به سمت بالا رجوع کند.



- «استغفار» واژه بسیار بلندی است و فقط برای پوشاندن گناهان فرد نیست. استغفار یکی از کارهایش پوشاندن گناهان است.

- استغفار حیثیت های مختلف دارد:

۱- فردی

۲- اجتماعی

- استغفار فردی: انسان شرایط لازم برای عروج را فراهم کند.

- استغفار اجتماعی: جامعه، شرایط لازم برای عروج را فراهم کند.

- توجه: رسول برای ما هم معرف احکام است و هم تفصیل احکام را نشان می دهد. یعنی اگر رسول نباشد هیچ ارتباطی بین ما و کتاب برقرار نمی شود. اولین کار وجود رسول این است که ما بفهمیم چه نواقصی داریم.

- در استغفار و توبه چه در شناخت نیازمندی ها، چه در برطرف کردن نیازمندی ها و چه در حرکت و عروج به سمت بالا، به رسول نیاز است.

- اگر رسول نباشد و آدمها به حال خودشان رها شوند با بسیاری از معایبشان زندگی می کنند در حالی که نمی دانند اینها عیب است.

- فلذا «استغفار و توبه» فقط به برکت رسول اتفاق می افتد.

فرآیند عملی استغفار:

۱- شناخت نیاز

۲- دعای دائمی برای برطرف شدن نیاز

۳- وساطت برای برطرف شدن همان نیاز در دیگران

- توجه مهم: هر نیازی در عالم داریم و می‌خواهیم خدا آن را برطرف کند ابتدا باید آن نیاز را در دیگران برطرف کنیم، سپس خدا وعده داده است نیاز ما را برطرف کند. این وعده قطعی خدا در باب غفران است. فقط باید به خدا اعتماد کنیم.

- «توبه گام بعد از استغفار است یعنی وقتی نیاز ما برطرف شد ما به پله‌های بعدی آن می‌رسیم. یکی از تمرین‌های خوب در این مسئله رجوع به قرآن و ادعیه است. مثال: در دعای جوشن کبیر، در واقع، فهرستی از نیازهایمان را می‌خوانیم که می‌خواهیم به برکت اتصال به خدا آن نیازها برطرف شوند. بنابراین کافی است برای هر بند از دعای جوشن کبیر، کار عملی پیدا کنیم. کار عملی یعنی برای رسیدن به آن صفت، در رابطه با دیگران چگونه باید تلاش کنیم تا به آن صفت برسیم.

- ثمره نهایی استغفار و توبه در آیه ۳، «متاع حَسَن» نامیده شده است. (متاع حَسَن ایتاء فضل به هر دارای فضلی است)

- در سوره مبارکه یونس درباره «متاع» سخن گفته شد. متاع بهره‌مندی‌های دنیایی است. «متاع حَسَن» یعنی بهترین بهره‌مندی‌های دنیایی.

- بهترین بهره‌مندی‌های دنیایی از آن کسانی است که «عبادت صرف برای خدا» دارند.

- توجه مهم: متاع یعنی بهره‌مندی. ای بسا کسی که چهار تا خانه دارد اما از هیچ کدامشان هم بهره نمی‌برد. آنها برایش طعام ذاغصه هستند و برای او زندگی جز بدبختی و فلاکت نیست. تَمَتَّع، فرع بر دارایی و نداری است.

- خدا تضمین کرده است کسی که در سیستم استغفار و توبه باشد بالاترین و با شکوه‌مندترین بهره‌مندی دنیایی را داشته باشد.

- البته خدا بهره‌مندی‌های مختلفی از دنیا برای انسان‌ها قرار داده است. ممکن است کسی مانند حضرت سلیمان باشد و کسی مانند حضرت ایوب. برای هیچ‌کدام از اینها دنیا سر سوزنی ارزش ندارد.

- قانون خدا این است که:

✓ اولاً استغفار و توبه در همین دنیا جواب داده می‌شود.

✓ ثانیاً هر فضل، قابلیت، اقتضاء و توانی که در هر موجودی باشد به برکت این سیستم فعال می‌شود.

- این مسئله نشان می‌دهد که تنها راه شکوفایی استعدادها، استغفار و توبه است.

- نکته: حضرت علامه در رسائل بحثی مهم دارند مبنا بر اینکه «لذت ذاتاً غیر مادی است». مثال: اگر کنار منظره‌ای زیبا باشید ولی فکرتان مشغول باشد، لذت نمی‌برید در حالی که اگر جایی تنگ و تاریک باشید ولی فکرتان مشغول مسئله علمی جالبی باشد، لذت می‌برید. یعنی افراد به اشتباه فکر می‌کنند لذت‌ها، مادی هستند در حالی که اصلاً اینگونه نیست.

- «لذت»، ذاتاً غیر مادی است به همین دلیل به همان اندازه که روح فرد بلند شود، لذت‌های مادی‌اش هم متفاوت می‌شود چه برسد به لذت‌های آخرتی.

- ثمرات توحید و عبادت نقد هستند و نسیه نیستند.

- توجه مهم: به خاطر نداشتن تفصیل در زندگی‌مان می‌پنداریم کارهایی مانند خوردن، خوابیدن، روابط زناشویی و ... کارهای حیوانی هستند. البته اگر اینها خالی از «ذکر» باشند واقعاً حیوانی می‌شوند ولی با داشتن ذکر، کاملاً معنوی و آخرتی هستند. چون «توحید» در زندگی مادی و دنیایی ما تفصیل پیدا نکرده است فقط نماز، روزه و کارهایی امثال اینها را توحیدی می‌دانیم.

- «زهد»، نخوردن، نپوشیدن و نگشتن نیست، اینها تصوف است که به رهبانیت منتهی می‌شود. اما حضرت علی (علیه‌السلام) «زهد» را آیه ۲۳ سوره مبارکه حدید می‌دانند: (لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ).
- اسلام «معنویت‌هایی» را نمی‌خواهد که با ریاضت‌های دور از اجتماع همراه باشد.

- در اسلام «خلوت کردن» هم داریم اما خلوتی که در بین میدان جهاد و عمل است مثلاً در میدان جهاد و عمل، سه روز اعتکاف توصیه می‌کند نه اینکه ده سال فرد دور از اجتماع باشد و به اصطلاح رهبانیت و ریاضت‌های سخت و طولانی داشته باشد.

- توجه: جهاد فرهنگی بسیار سخت‌تر از جهاد نظامی است زیرا در جهاد فرهنگی ظاهراً وسایل رفاهی فراهم است ولی چون دشمن دیده نمی‌شود، کار دشوار است. به همین علت بسیاری از افراد در جهاد نظامی، موفق‌اند ولی در جهاد فرهنگی، همه چیز خود را بر باد می‌دهند. اگر کسی بتواند در خانه خود و با وجود لوازم رفاهی، و عینی نبودن دشمن، مانند یک مبارز، بجنگد، می‌تواند سرباز امام زمان شود. رزمنده، در فضای جهاد فرهنگی به توانی صدبرابر جهاد نظامی نیاز دارد. به همین علت پیامبر جهاد نظامی را «جهاد اصغر» می‌دانستند.

- البته عالم در گرو آدم‌هایی است که بتوانند سختی جهاد فرهنگی را درک کنند و عقب نکشند. به همین دلیل بیش از اینکه به آیات نظامی پیامبر محتاج باشیم به آیات جهاد فرهنگی پیامبر محتاجیم. آیاتی مانند «یا ایها المزملم»، «یا ایها المدثر» یا «آیات سوره مبارکه هود».

- سوره هود، اصلاً جهاد نظامی نیست (فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۱۱۲)). چون سخت است خدا می‌گوید: «فَاسْتَقِمْ». زیرا در میدان جنگ نظامی این قدر استقامت لازم نیست، چون دشمن روبه‌رویمان ایستاده و نمی‌توان فرار کرد. جهاد فرهنگی انسان را پیر می‌کند.

- سختی‌های سوره هود هم همین چیزهاست، زیرا از ما «عبادت» و «استغفار» و «توبه‌ای» می‌خواهد که کاملاً در فضای زندگی معمولی باشد.

- یکی از کارکردهای مهم سوره هود این است که می‌خواهد جهاد برای ما تفصیل پیدا کند.

- آیه ۴: توجه به اینکه مرجع تمامی افعال و کارهای انسان، خداست، پایه بسیار مؤثری برای تفصیل حقیقت در زندگی می‌تواند باشد. توجه به اینکه همه کارهایمان اعم از خوردن، خوابیدن، خندیدن، رابطه با همسایه و ... همه و همه پیش خدا برمی‌گردد بسیار مهم است.

- جمع‌بندی چهار آیه اول: (مهم)

✓ احکام همه احکام‌های عالم، عبادت خداست.

✓ این احکام اگر جاری شود تبدیل به استغفار و توبه می‌شود.

- ✓ ثمره بهره‌مندی از این احکام در زندگی، هم بهره‌مندی دنیایی به بهترین شکل است و هم شکوفا شدن تمام استعدادهای درونی یک انسان است.
- ✓ یعنی اگر کسی عبادت صرف برای خدا انجام دهد تمام نیازمندی‌های درونی‌اش شکوفا می‌شود.
- ✓ جاری کردن همه منظومه بیان شده، نیازمند «تفصیل» در زندگیمان است.
- ✓ حرف سوره هود این است که هر کسی این سوره را می‌خواند باید در پیش دغدغه شود که احکام‌های زندگی‌اش را تفصیل دهد تا بتواند عبادت خدا را جاری کند، هم بهره‌مندی دنیایی پیدا کند و هم مهم‌تر اینکه همه استعدادهایش شکوفا شود.
- ✓ یکی از برکت‌هایی که نصیب ما شده، وجود سیستم تشیع است، به خاطر سیستم تفصیلی دین در تشیع زیرا مجموعه بسیار کلان از احکام شرعیه در رساله وجود دارد که همه آنها تفصیل زندگی است. در ضمن کلیه روایاتی که آداب در زندگی را برای ما بیان کرده است نیز اینچنین هستند.

زنگ دوم:

- حضرت علامه آیات ۵ تا ۱۶ را دسته دوم آیات در نظر گرفته‌اند:

دسته دوم آیات ۵ تا ۱۶:

<p>أَلَا إِنَّهُمْ يَتَّبِعُونَ صُدُورَهُمْ لَيْسَتُخْفُوا مِنْهُ أَلَا حِينَ يَسْتَعْتِبُونَ رَبَّهُمْ يَغْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَ مَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۵)</p> <p>آگاه باش که آنها سینه‌های خود را خم می‌کنند [و سر به زیر می‌اندازند] تا خود را از او [و شنیدن کلام خدا] پنهان دارند. آگاه باش، آن‌گاه که جامه‌هایشان را بر سر می‌کشند [تا به خیال خود پنهان بمانند] خدا هر آنچه را نهان می‌دارند یا عیان می‌کنند، می‌داند. همانا او به اسرار دل‌ها آگاه است.</p>
<p>وَ مَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَ يُغْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَ مُسْتَوْدَعُهَا كُلُّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ (۶)</p> <p>و هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست جز آن که روزی آن بر خداست و قرارگاه اصلی و جایگاه موقت [و محل انتقال] آن را می‌داند. همه در کتابی روشن موجود است.</p>
<p>وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَ كَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَ لَئِنْ قُلْتُمْ إِنَّكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ (۷)</p> <p>و اوست کسی که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید و عرش او بر آب بود، تا ببازماید که کدام یک از شما نیکوکارتر است. و اگر بگویید: شما پس از مرگ زنده می‌شوید، مسلماً کسانی که کافر شدند خواهند گفت: این جز سحری آشکار نیست.</p>
<p>وَ لَئِنْ أَخْرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ لَيَقُولُنَّ مَا يَحْبِسُهُ أَلَا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَ حَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۸)</p> <p>و اگر عذاب را تا چند گاهی از آنان به تأخیر اندازیم، [به ریشخند] خواهند گفت: چه چیزی مانع آن می‌شود؟ آگاه باش، روزی که عذابشان فرا رسد از آنها بازگردانده نشود، و آنچه مسخره‌اش می‌کردند آنها را فرا گیرد.</p>
<p>وَ لَئِنْ أَدْقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُ إِنَّهُ لَكَيْفُوسٌ كَفُورٌ (۹)</p> <p>و اگر از جانب خود رحمتی به انسان بچشانیم، سپس آن را از وی سلب کنیم بسیار مأیوس می‌شود و کفران می‌ورزد.</p>
<p>وَ لَئِنْ أَدْقْنَا نَعْمَاءَ بَعْدَ ضَرَاءٍ مَسْتَهْزِئَةٍ لَيَقُولُنَّ ذَهَبَ السَّيِّئَاتُ عَنِّي إِنَّهُ لَفَرِحٌ فَخُورٌ (۱۰)</p> <p>و اگر پس از محنتی که به او رسیده نعمتی به او بچشانیم، حتما خواهد گفت: گرفتاری‌ها از من دور شد [و دیگر بر نمی‌گردد] به راستی او سرمست و فخر فروش است.</p>
<p>إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ أَجْرٌ كَبِيرٌ (۱۱)</p> <p>مگر کسانی که شکیبایی کردند و کارهای شایسته انجام دادند که آنان را آمرزش و پاداشی بزرگ است.</p>
<p>فَلَعَلَّكَ تَارِكًا بَعْضَ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَ ضَائِقٌ بِهِ صَدْرُكَ أَنْ يَقُولُوا لَوْ لَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهِ كِتَابًا أَوْ جَاءَ مَعَهُ مَلَكٌ إِنَّمَا أَنْتَ نَذِيرٌ وَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ (۱۲)</p> <p>چه بسا [بلاغ] برخی آیات را که به تو وحی می‌شود [به خاطر عدم پذیرش آنها] ترک کنی و دلت از آن جهت که می‌گویند: چرا بر او گنجی فرستاده نشده یا فرشته‌ای همراه او نیامده است، تنگ شود. ولی تو فقط هشدار دهنده‌ای و خدا بر همه چیز مراقب است.</p>
<p>أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأَنذَرْتُكُمْ سَوْرٍ مِثْلَهُ مَقْتَرِيَاتٍ وَ ادْعُوا مَنْ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۱۳)</p> <p>آیا می‌گویند: این [قرآن] را به دروغ بافته است؟ بگو: اگر راست می‌گویی [شما هم] ده سوره‌ی ساخته شده همانند آن را بیاورید و غیر از خدا هر که را می‌توانید فرا</p>

خوانید.

فَالْمُ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّمَا أُنزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ وَأَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ (۱۴)

پس اگر پاسخ شما را ندادند، بدانید که آنچه نازل شده به علم خداست و هیچ معبودی جز او نیست، پس آیا تسلیم می‌شوید؟

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوَفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ (۱۵)

هر که زندگی این دنیا و تجمل آن را بخواهد [مزد] اعمالشان را به تمامی در همین دنیا به آنها می‌دهیم و چیزی از آن کم داده نمی‌شوند.

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَ خَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَ بَاطِلٌ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۶)

اینان کسانی هستند که در آخرت جز آتش برایشان نخواهد بود و آنچه در دنیا انجام داده‌اند بر باد رفته و آنچه عمل می‌کردند باطل است.

- آیه ۵: از این آیه به بعد برخوردهای آدم‌ها را بیان می‌کند که با ارائه تفصیل عبودیت توسط پیامبر اتفاق می‌افتد.

- عده‌ای چنان وانمود می‌کنند که نشنیده‌اند و آن را در سینه‌هایشان پنهان می‌کنند اما خداوند می‌گوید: «ما علم داریم به آنچه که پنهان می‌کنید و یا آشکار می‌کنید.»

- آیه ۶: این آیه از غرر آیات قرآن و سوره مبارکه هود و از احکام‌های مهم است.

- حضرت علامه درباره آیه ۶ فرموده‌اند:

و این معنا، یادآوری رزق تمامی جنبنده‌ها و اینکه خدای تعالی ضامن آن است، برای این است که سعه علم خدا و آگاهی‌اش را به همه حالات جنبندگان اثبات کند. مقتضی آن است که جمله «وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَ مُسْتَوْدَعَهَا» به منزله عطف تفسیر باشد برای جمله «عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا»، در نتیجه برگشت معنا به این می‌شود که «کل جنبنده‌هایی که در زمین هستند رزقشان بر عهده خدای تعالی است» - و هرگز بدون رزق نمی‌مانند - پس خدای تعالی، دانا و با خبر از احوال آنهاست هر جا که باشند، اگر در قرارگاهی معین باشند، قرارگاهی که هرگز از آن خارج نمی‌شوند مانند دریا برای ماهی و نظیر صدف که در گوشه‌ای در ته دریا زندگی می‌کند، خدای تعالی رزقش را در همان دریا می‌دهد و اگر قرارگاه معینی نداشته باشند و هر جا که هستند به عنوان موقت‌اند مانند مرغان هوا و مسافران دور شده از وطن و یا آنجا که هستند تا زمانی معین می‌باشند و پس از مدتی بیرون می‌آیند، مانند جنین در رحم مادر، خدای تعالی رزقشان را در همان‌جا می‌دهد و کوتاه سخن اینکه، خدای تعالی آگاه به حال هر جنبنده‌ای است که در پهنای زمین زندگی می‌کند (در آن واحد ناظر احوال و برآورنده حاجت میلیاردها جنبنده است که در هوا و روی زمین و زیر زمین و در شکم مادران هستند) و چگونه چنین نباشد با اینکه رزق آنها به عهده آن جناب است و معلوم است که رزق وقتی به روزی خوار می‌رسد که روزی‌دهنده آگاه به حاجت او و با خبر از وضع او و مطلع از محل زندگی او باشد، چه محل زندگی موقت و چه محل زندگی دائمی‌اش.

- هر آنچه را که ما نیازمندیم تا با آن، به غایت اصلی تعریف شده زندگیمان برسیم، خدا حتماً آن را به ما خواهد داد.

- امکان ندارد خدا موجودی را بیافریند و نیازمندی او را در راستای کمالش، در اختیارش قرار ندهد. لذا هیچ‌کس در آخرت نمی‌تواند برای خدا توجیه آورد.

- در نظام رشد برای خدا «کمال در هر لحظه» مهم است.

- توجه: در نظام عالم فقر وجود ندارد و اگر فقری مشاهده می‌شود به خاطر سوء مدیریت و رفتار انسان‌هاست.

- فقیر و غنی بودن در کمال، مهم نیست بلکه صبر در فقر و شکر در غنا مهم است. هرچه را که نیاز دارید و بتوانید در هر لحظه به آن برسید خدا حتماً به شما خواهد داد.

- ما نباید نگران رزق دادن خدا باشیم بلکه باید نگران باشیم که آیا در هر لحظه کاری خدایی می‌کنیم یا نه؟

- هیچ‌کسی نمی‌تواند رزق معنوی دیگری را قطع کند و مانع رشد او شود ولی می‌تواند رزق مادی کسی را قطع کند.

- آیه ۷: خدا را این‌گونه معرفی می‌کند: «او کسی است که خلق کرد آسمان‌ها و زمین را در شش روز و عرش او بر آب است که بیازماید کدامتان بهترین عمل را انجام می‌دهد و اگر بگویی: شما پس از مرگ زنده می‌شوید، مسلماً کسانی که کافر شدند خواهند گفت: این جز سحری آشکار نیست.

- حضرت علامه در باب این آیه، بحثی مفصل آورده که حتماً در تفسیر المیزان مطالعه شود. قسمتی از آن در ذیل آورده شده است:

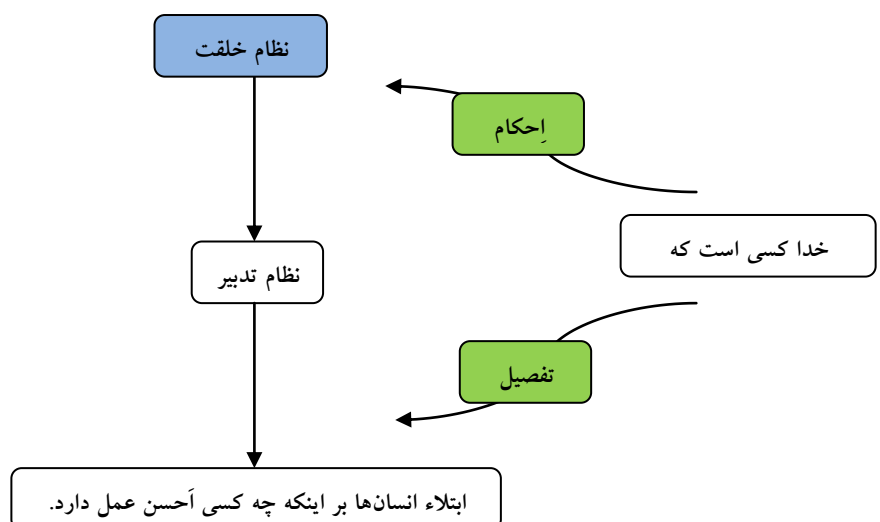
[معنای جمله: "وَ كَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ"]

و اما اینکه فرمود: «وَ كَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ» جمله‌ای است حالیه، معنای مجموع آیه اینست که: خدای تعالی در وقتی و در حالی به خلقت آسمان‌ها و زمین پرداخت که عرشش بر آب بود و بر آب بودن عرش کنایه است از اینکه مالکیت خدای تعالی در آن روز مستقر بر این آب بود که گفتیم ماده حیات و زندگی است، چون عرش و تخت سلطنت هر پادشاهی عبارت است از محل ظهور سلطنت او و استقرار پادشاه بر آن محل به معنای استقرار ملک او بر آن محل است. پس «استواء بر عرش» به این معنا است که خدای تعالی بعد از خلقت آسمان و زمین در دو روز، به امر تدبیر مخلوقات خود پرداخت.

- وَ كَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ: قرار گرفتن خدا بر عرش یعنی «نظام تدبیر».

- آیه ۷ هم نظام تدبیر دارد و هم نظام خلق و هم نتیجه‌ای که خدا از آن می‌گیرد. خلقت و تدبیر، غایتش احسن عمل در انسان است. (لِيُبْلُوَكُمْ أَكْبَرَكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا). در لِيُبْلُوَكُمْ لام غایت است.

- در قرآن «استوا بر عرش»، مقام تدبیر خداست.



- آن چیزی که انسان را در هماهنگی کامل با نظام خلقت تدبیر خداوند قرار می‌دهد «أحسن عمل» است. یعنی انسانی که در هر لحظه و موقعیت بهترین عمل را انجام می‌دهد با تمام کائنات و تمام خلقت در هماهنگی است.

- یعنی وقتی انسانی أحسن عمل انجام می‌دهد، عظمت هماهنگی به اندازه گردش کهکشان وجود دارد.

- حُسن یعنی هماهنگی تمامی اجزاء بر راستای غایت. تمامی کائنات و نظام تدبیر بر مبنای نظام حُسن عمل می‌کنند. انسان وقتی با نظام تدبیر هماهنگ است که او هم آکنده از حُسن باشد. بنابراین به معنای عام «تکرار در زندگی» وجود ندارد. ولی در عین حال زندگی انسان ثابت است. جالب‌ترین جدال عالم این است که چیزی بر «ماء» باشد اما ثابت باشد. زیرا ماء ذاتاً تغییر دارد. خدا خودش را در چنین تضادی تعریف کرده است. همهٔ عظمت خدا در این است که موجودی آفریده که در عین متغیر بودن، ثابت است.

متغیر است اما دائماً در حال انجام أحسن است.

- در فلسفه، سالیان سال دربارهٔ مسئلهٔ ثابت و متغیر بحث بوده و هست.

- شاهکار خلقت خدا را از اینجا بشناسیم که ثابت را با متغیر جمع کرده است. ثابت را روی متغیر، ثابت بنا کرده است. دنیا کاملاً عالم تغیر است اما روی ثبات بنا شده است. تنها راه ثبات در زندگی نظام أحسن عمل است.

- برای هر کسی با توجه به موقعیتش أحسن عملش چیزی است که با دیگری متفاوت است.

- این مسئله همان حقیقت احکام و تفصیل است.

- «أحسن عمل» احکام زندگی همهٔ انسان‌هاست.

- آیه ۶: مُسْتَقَرُّهَا وَ مُسْتَوْدَعُهَا: خدا می‌داند که انسان حالات مستقر و مستودع دارد. ثبات انسان به خاطر نظام احکام است و تغیرش به خاطر تفصیل است و انسان جمع بین نظام احکام و تفصیل است. احکامها تفصیل دارد و تفصیلها هم احکام دارند. این مسئله بالاترین جمع اضداد در عالم است.

- کافی است در زندگیمان بنا بگذاریم که هر کاری انجام می‌دهیم بهترین باشد.

- توجه: در نظام عالم تکوین چیزی غیر حُسن وجود ندارد اما در نظام انسانی فقط أحسن است که حُسن دارد و حُسن برای غیر أحسن، معنا ندارد.

- نکته مهم: در این عالم هر کاری را که جمع تصمیم بگیرند انجام بدهند قطعاً به تحقق نزدیک‌تر است.

بنابراین به برکت این جمع همه با هم تصمیم بگیریم برای اینکه بتوانیم هم‌نشین امیرالمؤمنین و حضرت زهرا شویم
در همهٔ کارهایمان «أحسن عمل» را مبنا قرار دهیم.

وقتی جمعی تصمیم به کاری بگیرند خدا برکات آسمانش را باز می‌کند.

خدایا به همهٔ این جمع و وابستگانشان توفیق ایمانی ثابت، راسخ و الهی، علوی و شیعی و امام زمانی، عنایت بفرما.

اللهم صل علی محمد و آل محمد و الحمد لله رب العالمین